

تشي أخيراً يهودا

دكتور علي هراتييك

عبدالمسيح الذي خذليست
الملك الذي جعل الله فرجه
الذي هو الذي جسد كرايك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آنچه قرار بود و نشد !

هزار سال درخواست امام عصر علیه السلام،

از زائران جمکران

سرشناسه	:هراتیان علی. ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور	: آنچه قرار بود و نشد، علی هراتیان
مشخصات نشر	: قم: عطر عترت، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۶۴ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۸۳-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: محمدبن حسن(عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ق. غیبت
موضوع	: مهدویت، انتظار
موضوع	: دعا، تأثیر
رده بندی گنجره	: ۱۳۹۲ ص ۲ ۴۶ / ۵ BP۲۲۴
رده بندی دیوینی	: ۲۹۷/۴۶۲

آنچه قرار بود و نشد

تألیف: دکتر علی هراتیان

ناشر: عطر عترت

سفارش: بانک صادرات ایران

قطع و صفحه: رقعی / ۴۰

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۸۳-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱ ۳۳۱۹۰۱۳۳

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول: جمکران کجاست؟	۷
فصل دوم: در جمکران چه بخواهیم؟	۱۲
فصل سوم: انتظار امام عصر <small>علیه السلام</small> از ما	۳۳
پی نوشت‌ها:	۴۰

مقدمه

شب‌های چهارشنبه شهر مقدس قم، حرم مطهر حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام و مسجد مقدس جمکران حال و هوای دیگری دارد. صدها هزار نفر از اطراف و اکناف ایران و جهان برای زیارت مرقد شریف کریمه‌ی اهل بیت علیهم السلام و نیز عرض ارادت و اخلاص به آستان ملک پاسبان حضرت صاحب العصر و الزمان علیه السلام به قم این آشیانه‌ی آل محمد علیهم السلام وارد می‌شوند و به رغم بیمار دلان و شیاطینی که از اقبال مردم به این مسجد مقدس ناراحت و نگرانند این حضور عاشقانه همواره و معجزه آسار و به گسترش بوده و هست.

بی‌تردید اگر این شور و اخلاص با شعور و معرفت بیامیزد و این حضور عاشقانه با تمنای ظهور توأم گردد و قصد و نیت این سیل عظیم جمعیت توسط مربیان جامعه به سوی درخواست فرج و دعا برای تعجیل ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه سوق داده شود، می‌تواند نقش بسیار مهمی در «اجماع قلوب» شیعه و نزدیک شدن ظهور خجسته‌ی مولانا صاحب الزمان علیه السلام ایفا کند؛ چنان که آن حضرت هزار سال پیش! در توقیع شریف به شیخ مفید علیه الرحمه فرموده‌اند:

اگر شیعیان ما که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موفق بدارد با دل‌های متحد و یک‌پارچه بر وفا به عهد و پیمان خویش

اجتماع می‌کردند ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار و مشاهده‌ی با معرفت برای آن‌ها حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می‌شدند... (۱)

امید آن که خداوند تبارک و تعالی به فضل و کرم خویش و با دعای خالصانه‌ی شیعیان از باقی‌مانده‌ی غیبت امام زمان عجله صرف نظر نموده و توفیق درکِ ظهور آن عصاره‌ی عالم هستی را هر چه زودتر به ما روزی فرماید.

فصل اول: جمکران کجاست؟

مسجد مقدّس جمکران حریم امن خدای رحمان، جلوه گاه حضرت صاحب الزّمان علیه السلام، بیت الولای شیعیان، مهبط فرشتگان، میقات منتظران، کعبه و مطاف قلب صالحان، معبد و میعادگاه مؤمنان، چشم و چراغ عارفان، دار الشّفاى دردمندان، ملجأ و پناه بیچارگان، خانه‌ی امید ناامیدان، منزلگاه اهل ایمان، خار چشم منافقان و بالاخره جمکران تجلیگاه «وجه الله»، سرچشمه‌ی جوشان معنویّت و اقیانوس خروشان نور و هدایت است.

این مسجد شریف، هزار سال پیش و به دستور مستقیم حضرت ولیّ عصر علیه السلام بنا شده است. دستور ساخت این مسجد مقدّس را آن حضرت در بیداری و نه در خواب! ^(۲) به حسن بن مُثله‌ی جمکرانی صادر فرموده‌اند. زمین جمکران همچون کعبه و کربلا، زمین برگزیده‌ی خداوند است و حضرت بقیه الله مردم را به گرامی داشتن این مکان مقدّس و نماز گزاردن در آن ترغیب و توصیه فرموده و ثواب خواندن دو رکعت نماز در این مسجد مقدّس را که کیفیت آن را نیز حضرت، خود تعلیم فرموده‌اند معادل دو رکعت نماز در مسجد الحرام و در داخل خانه‌ی خدا دانسته‌اند:

فمن صلاها فکانما صلی فی البیت العتیق.

هر کس دو رکعت نماز را در این مکان شریف به جای آورد، گویا در داخل خانه‌ی خدا نماز گزارده است.

شگفت آن که عملیات توسعه و تجدید بنای مسجد مقدس جمکران در عصر ما نیز باز در پی دستور مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام و آن هم در بیداری! به یکی از مردان صالح زمانه‌ی ما در سال ۱۳۴۸ شمسی آغاز گردیده است و این امر حکایت از عنایات خاص و اشراف مستقیم آن حضرت به این مکان مقدس دارد. (۳)

و اما جالب است بدانید صدها سال قبل از صدور فرمان حضرت بقیة الله به حسن بن مثله‌ی جمکرانی مبنی بر احداث مسجد جمکران، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از وقوع آن خبر داده و در بیان عظمت مسجد مقدس جمکران، اسراری را بیان کرده و می‌فرمایند:

ای پسر یمانی! در اول ظهور، خروج نماید قائم آل محمد علیه السلام از شهری که آن را قم می‌گویند و مردم را دعوت کند به حق و همه‌ی خلائق از شرق و غرب به آن شهر قصد کنند و اسلام تازه گردد و هر که از خوف اعدا پوشیده و مخفی باشد بیرون آید.

وحوش و طیور در مساکن و اوطان خود ایمن بخوابند و چشمه‌ی آب حیات از آن شهر ظاهر شود و آبی که هر کس بخورد نمیرد و از آب چشمه‌ها منفجر شود و از آن موضع رایت حق ظاهر شود و میراث جمله انبیا بر پشت زمین به آن باشد.

ای پسر یمانی! این زمین مقدسه است که از تمام آلودگی‌ها پاک است و از خدای تعالی درخواست کرده است که بهترین خلق خود را ساکن او گرداند و دعایش مستجاب شده و حشر و نشر مردم در این زمین باشد و بر این زمین، اساس و بنیاد قصری عظیم

نمایند بعد از این که بنای قصر مجوس بوده است و آن قصر از صاحب شهرت ملک روم باشد و این زمین گوسفند ابراهیم خلیل را آورند و قربان کنند و بر این زمین هزار صنم و بت از اصنام اهل روم بشکنند و بر این زمین اثر نور حق ساطع شود و از این زمین رایحه بوی مشک شنوند. حق تعالی بیت العتیق را به این شهر فرستد و بناها و آسیابها بر این زمین ساخته شود و منازل و مواضع زمینهای این جا عالی و گران بها گردد که چندان زمین که پوست گاوی باشد به پانصد دینار بدهند و عمارت آن هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد و رایت وی بر این کوه سفید بزنند به نزد دهی کهن که در جنب مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس است و آن را جمکران خوانند. از زیر یک مناره‌ی آن مسجد بیرون آید نزدیک آن جا که آتشخانه‌ی گبران بوده و حضرت عمامه سفطی از زر بسته باشد و بر براق سوار شده و با ملائکه‌ی مقرب و حاملان عرش گردش نماید و منطق آدم با او باشد و حلم خلیل الله و حکومت حضرت داوود و عصای موسی و خاتم حضرت سلیمان و تاج طالوت که بر سر آن نوشته است نام هر پیغمبری و وصی و نام هر مؤمنی و موحدی. (۴)

البته همان گونه که در کتاب ارزشمند صحیفه‌ی مهدیه آمده است در این روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدس جمکران اسراری بیان شده است که همگان تاب تحمل و پذیرش آن را ندارند و مکان اصلی مسجد جمکران اسرار ناشناخته‌ای دارد که در عصر ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام

بر همگان آشکار خواهد شد.

مؤلف کتاب شریف صحیفه‌ی مهدیه می‌نویسد:

مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه بزرگ‌ترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده‌اند:

در عصر ظهور، پرچم لشکریان امام عصر ارواحنا فداه بر فراز کوه سفید که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است به اهتزاز در می‌آید.

نکته‌ی بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نه تنها مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه عظمت و موقعیت خاصی دارد و مرکز قدرت و محلّ تحولات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است.

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداه استفاده می‌کنیم که فرموده‌اند: «هر کس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در داخل خانه‌ی خدا آن را انجام داده» و خانه‌ی خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می‌گذارد که در برابر بیت المعمور و مکان‌های معنوی آسمانی و فضایی است.

بنابراین انسان با بودن در خانه‌ی خدا و اقامه‌ی نماز در آن، راه ارتباط برایش باز می‌شود و خود را در اختیار جاذبه‌های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می‌دهد و در معرض تشعشعات امواج نامرئی قرار می‌گیرد که در جسم و جان انسان تحوّلی سازنده به وجود می‌آورد و مکان اصلی مسجد

/ مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است. (۵)

با قاطعیّت می توان گفت هم اکنون مسجد مقدّس جمکران بزرگ ترین مرکز تجمّع عاشقان امام عصر علیه السلام و کانون توجّه جهانیان است و در هیچ مکان دیگری در روی کره ی زمین در این حجم توجّه و توسّل به آن حضرت صورت نمی پذیرد. هر ساله پانزده میلیون نفر که هشتاد درصد آنان جوان هستند از اقصی نقاط ایران و جهان برای عرض ادب به آستان امام و حجّت زنده ی خدا حضرت صاحب الزّمان علیه السلام به مسجد مقدّس جمکران مشرف می شوند (دو برابر زائران خانه ی خدا) و به کوری چشم مخالفان اهل بیت علیهم السلام روز به روز بر رونق و شکوه این سرزمین افزوده می شود. چه بسیار سعادتمندانی که در همین مسجد توفیق زیارت جمال دلربای یوسف زهر علیه السلام را پیدا کرده اند و چه بسیارند آنانی که حاجات خود را در این جواز دست با کفایت آن حضرت گرفته اند، حتّی اهل سنّت. (۶)

فصل دوم: در جمکران چه بخواهیم؟

زائران مسجد جمکران باید بدانند که مورد لطف و عنایت خاص حضرت صاحب الامر علیه السلام قرار گرفته و در مکانی بسیار مقدس و با عظمت پای نهاده‌اند. این جا قدمگاه و خانه‌ی امام زمان علیه السلام است. هیچ کس بدون دعوت به این جا نمی‌آید. حقیقتاً شما در منزل آن حضرت و مهمان آن بزرگوار می‌باشید. اگر آن حضرت نخواهند مگر کسی می‌تواند قدم از قدم بردارد؟ اگر خودشان اجازه ندهند کسی نمی‌تواند حتی نام مبارکشان را بر زبان بیاورد. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

والله لولا ان فرض ولايتنا و مودتنا و قرابتنا ما ادخلناكم بيوتنا و لا اوقفناكم على ابوابنا و الله ما نقول با هوائنا و لانقول برأينا الا ما قال ربنا. (۷)

به خدا قسم! اگر خداوند متعال ولایت و مودت و قرابت ما را واجب نفرموده بود شما را به خانه‌های خود راه نمی‌دادیم و اجازه‌ی ایستادن بر درب خانه‌هایمان را به شما نمی‌دادیم. به خدا قسم! ما به رأی و نظر خود سخن نمی‌گوییم و نمی‌گوییم جز آن چه پروردگارمان گفته است.

شاید برخی از ما قدر و قیمت این بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند به ما عطا کرده است یعنی نعمت ولایت امام عصر علیه السلام را به خوبی ندانیم. هم چون

ماهی که تا در میان آب است قدر آب را نمی‌داند و یا همچون کودکی که گوه‌ری گران‌بها در دست دارد؛ اما از ارزش و قیمت آن آگاهی ندارد. همه‌ی مذاهب اسلامی این روایت متواتر از پیامبر عظیم‌الشان اسلام که:

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

را قبول دارند. از مسلمانات معارف شیعه است که خداوند عذر هیچ کس را مبنی بر این که امام زمانش از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام را نمی‌شناخته است نخواهد پذیرفت. چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

**نحن قوم فرض الله طاعتنا و انتم تأتمون بمن لا يعذر الناس
بجهالتهم.** (۸)

ما خانواده (اهل بیت علیهم السلام) گروهی هستیم که خداوند اطاعتمان را واجب کرده و شما (شیعیان) از کسی پیروی می‌کنید که عذر مردم در شناختن او پذیرفته نیست.

هیچ یک از مردمانی که هم اینک در روی کره‌ی زمین زندگی می‌کنند نمی‌توانند فردای قیامت ادعا کنند که من حجة بن الحسن العسکری را نمی‌شناختم (مگر آن که حقیقتاً مستضعف فکری باشند و تعداد این عده نیز بسیار قلیل است) زیرا امام‌شناسی بزرگ‌ترین تکلیف خدا بر بندگان و اصل دینداری و شرط بندگی است و بدون قبول و تسلیم در برابر آن در توحید افراد هم خدشه وارد می‌شود چرا که ارکان توحید و شرط «لا اله الا الله» اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشند. در صحرای محشر مردمی که در زمان امامت حضرت صاحب الزمان علیه السلام زندگی می‌کرده‌اند را یکی پس از دیگری به محضر آن حضرت می‌آورند و درباره‌ی ولایت و حقوق آن

بزرگوار مورد سؤال قرار می‌دهند. ادله‌ی بی‌شمار عقلی و نقلی در اثبات وجود امام و لزوم حضور حجّت خدا در زمین و میان مردم و روایات زیادی که فرموده‌اند:

زمین هیچ‌گاه از حجّت خداوند خالی نمی‌ماند. (۹)

و اگر در روی زمین جز دو کس نباشند یکی از آنها امام و حجّت خدای تعالی است. (۱۰)

راه عذر و بهانه را بر همگان بسته است. کثرت عبادت نیز هرگز نمی‌تواند جبران‌کننده‌ی عدم معرفت به امام زمان علیه السلام و یا رافع تکلیف در برابر آن جناب باشد چنان که امام محمد باقر علیه السلام در ضمن حدیث مفصّلی فرموده‌اند:

[کلّ من دان الله بعبادته یجهد فیها نفسه و لا امام له من الله تعالی

فسعیه غیر مقبول و هو ضالّ متحیر و الله شانیء لاعماله... (۱۱)

[هر کسی که خدا را دینداری کند به عبادتی که جان خود را در آن

به رنج اندازد و پیشوایی از جانب خداوند نداشته باشد] امامش از

جانب خدا نباشد] کوشش او پذیرفته نیست و او گمراهی

سرگردان است و خداوند از اعمال او بیزار است...

نگاهی به دنیای معاصر بیندازید. هم اینک قریب هفت میلیارد انسان در

روی زمین زندگی می‌کنند و اکثریت آنها در جهل و گمراهی و ظلمت به سر

می‌برند و اگر به همین حال از دنیا بروند در آتش قهر و غضب الاهی خواهند

سوخت زیرا هیچ همتی برای شناخت امام زمانشان نکرده‌اند و هیچ نسبت و

ارتباطی با آن بزرگوار ندارند. مخالفین به ویژه وهابیان و نواصب با آن

حضرت آشکارا به جنگ و دشمنی پرداخته منزل پدری آن حضرت و مرقد

مطهر پدر و مادر و جد بزرگوار ایشان را در سامرا ویران نمودند. در میان شیعیان نیز کم نیستند کسانی که انگار نه انگار که امام زمانی دارند! هفته‌ها و ماه‌ها بر آن‌ها می‌گذرد و دریغ از یک ذکر «یا صاحب الزمان» و دریغ از یک زیارت آل یاسین و یا دعای ندبه! دریغ از یک دعا برای ظهور آن حضرت! این جاست که باید گفت اگر نام مبارک امام زمان علیه السلام با دل و جانت بازی می‌کند، اگر با شنیدن نام مبارک آن حضرت قلبت از جا کنده می‌شود و اشک در چشمانت حلقه می‌زند، اگر از فراق آن حضرت اندوهگین و اشکبار هستی، اگر هر شب چهارشنبه گویا گمشده‌ای داری و تا به مسجد جمکران نیایی قلبت آرام نمی‌گیرد، اگر بی‌تاب و مشتاق ظهور آن حضرت هستی بدان اهل اخلاص و طاعتی که مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به پاره‌ی تنش حضرت ولّی عصر علیه السلام فرموده‌اند:

إِعْلَمَ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نَزَعُ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِلَى
 أَوْكَارِهَا. (۱۲)

[فرزندم! مهدی] بدان دل‌های مردم با اخلاص و اطاعت پیشه
 مانند پرنده‌ای که به سوی آشیانه پر می‌کشد بی‌تابانه و مشتاقانه
 راهی کوی تواند.

آری عزیز من! اگر سه‌شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ هجری
 در ب‌خانه‌ی حسن بن مُثله‌ی جمکرانی به صدا درآمد، او را از خواب بیدار
 کرده و به او گفتند: «أَجِبْ مَوْلَاكَ صَاحِبَ الزَّمَانِ» صاحب الزمان علیه السلام از تو
 دعوت کرده است؛ برخیز و بیا! بدان من و شما را نیز با دعوت آن مولای
 عزیزتر از جان به مسجد جمکران فرا خوانده‌اند و گرنه ما کجا و امام زمان

کجا؟! امام عصر علیه السلام ما را به خانه‌ی خویش دعوت کرده است.

از این روست که باید ممنون و سپاسگزار آن حضرت باشیم که در این و انفسای آخر الزمان دستمان را گرفته و در خانه‌ی خویش پناهمان داده است. اگر می‌خواهیم شکر این بزرگ‌ترین نعمت الاهی را به جای آوریم باید سر بر سجده بگذاریم و بگوییم:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»

زیرا از جمله شرایط ادب و معرفت برای زائران مسجد مقدّس جمکران آن است که نیت و هدف خود را از تشرف به آن مسجد مقدّس مشخص نموده و خویشتن را پایبند مقاصد کوچک و آرزوهای کودکانه نسازند. عالی‌ترین، فراگیرترین و ارزشمندترین هدف را مدنظر قرار داده و رضایت و خشنودی خاطر شریف حضرت ولیّ عصر علیه السلام را بر هر خواسته و حاجتی مقدّم بدارند. و آیا کسی هست که نداند هم اکنون بزرگ‌ترین حقّ امام زمان علیه السلام بر ما، مهم‌ترین انتظار آن حضرت از ما و از بزرگ‌ترین وظایف هر شیعه‌ای دعا برای تعجیل در ظهور امام عصر علیه السلام است؟

شیعه باید آن قدر بصیرت داشته باشد که بداند الان امام زمانش از او چه می‌خواهد. فرض کنید میهمان بسیار عزیزی را به منزل دعوت کرده‌اید. در پذیرایی از این میهمان و گرامی داشتن او دو فرض متصوّر است: فرض اوّل آن که شما براساس سلیقه‌ی خود اسباب پذیرایی را فراهم نمایید و غذایی را که مورد علاقه‌ی خودتان است برای میهمان نیز آماده کنید غافل از آن که شاید میهمان عزیز شما اصلاً تمایلی به آن غذای مورد علاقه‌ی شما نداشته باشد. فرض دوّم آن است که شما کنکاش و پرس و جو می‌کنید تا بفهمید میهمان

عزیز شما چه انتظاری از شما دارد. به چه غذایی علاقه دارد! چه نوشیدنی را می‌پسندد!...

ما باید به دنبال فهم این موضوع باشیم که هم اینک حضرت مهدی علیه السلام از ما چه می‌خواهند و چه انتظاری از شیعیان خویش دارند. در یک تقسیم‌بندی کلی و فرضی کسانی که به مسجد مقدس جمکران مشرف می‌شوند از چهار حالت خارج نیستند:

۱ کسانی که بدون هیچ قصد و نیتی و به همراه یک جمعی و حتی شاید برای تفریح به این مسجد آمده‌اند.

۲ برخی برای گرفتن حاجات مادی و دنیوی عازم مسجد مقدس جمکران شده‌اند.

۳ برخی حاجات معنوی به عنوان مثال سفر زیارتی،... را مدنظر دارند.

۴ گروهی که فقط و فقط به خاطر رضایت حضرت بقیة الله و برای خود آن جناب به مسجد آمده‌اند.

پرواضح است که نیت و انگیزه‌ی این چهار گروه با یکدیگر یکسان نیست و پاداش اخروی آن‌ها و نیز مقام و منزلت آن‌ها نزد خدای تعالی و حضرت ولی عصر علیه السلام بستگی به هدف و نیت و نیز متناسب با سطح معرفت و عیار خلوص آن‌هاست.

مقدمتاً تأکید می‌کنیم که ما خدای ناکرده در صدد تخطئه‌ی زائران مسجد مقدس جمکران نیستیم. تمامی آنان را از هر کدام از چهار دسته‌ی فوق که باشند میهمان حضرت و شایسته‌ی تکریم و احترام می‌دانیم؛ ولی نکته آن است که معرفت و ولایت اهل بیت علیهم السلام درجات و مراتب دارد و این درجات تا

بی نهایت ادامه داشته و به هیچ درجه و مرتبه‌ای نیز محدود نمی‌شود. حتی راه برای صعود و ترقی سلمان که نه درجه از ده درجه ایمان را دارا بوده است نیز بسته نیست. ولایت، اقیانوس بی‌کران است و فضایل و اسرار و معارفش نیز بحر بی‌پایان است و هر کس از این اقیانوس به تناسب ظرف و جودِ خویش برداشت می‌کند. برای روشن شدن مطلب مثالی می‌زنیم:

هم اکنون در کشور ما میلیون‌ها دانش‌آموز برای تحصیل به مدرسه می‌روند. برخی به همان سواد خواندن و نوشتن اکتفا می‌کنند و درس و تحصیل را رها می‌کنند. برخی تا مقطع راهنمایی، عده‌ای تا مقطع متوسطه و گروهی نیز تا ورود به دانشگاه پیش می‌روند. هر چه بالاتر می‌رویم امتحانات سخت‌تر و کار مشکل‌تر می‌شود و همت عالی‌تری می‌طلبد تا شاید نهایتاً چند پروفیسور از این میلیون‌ها دانش‌آموز بیرون بیاید. در وادی ولایت نیز دقیقاً همین است. اصلاً بحث تخطئه‌ی آنان که در رده‌های پایین‌تر هستند در میان نیست. بحث بر سر آن است که آن کسانی که مایلند در این وادی پیشرفت نموده و درجات کمال را به سرعت بپیمایند چه باید کنند. حتماً شما نیز دیده‌اید برخی دانش‌آموزان با استعداد را که به صورت جهشی مقاطع تحصیلی را پشت سر می‌گذارند. آیا در مسیر قرب به امام زمان علیه السلام نیز چنین راه‌هایی وجود دارد؟ پاسخ مثبت است و به یقین یکی از این راه‌های میان‌بُر برای تقرب به آستان مقدس ولی الله الاعظم علیه السلام بسیار دعا کردن برای تعجیل در ظهور آن حضرت است. هر کس می‌خواهد عنایات خاص امام زمان علیه السلام شامل حالش شود؛ هر کس می‌خواهد الطاف خاص امام عصر علیه السلام را سیل آسا به سوی خود جلب کند، هر کس به دنبال گوشه چشمی از آن جناب می‌گردد؛

هر کس می خواهد امام زمان علیه السلام را از خود راضی و خشنود سازد برای ظهور امام عصر علیه السلام زیاد دعا کند و دیگران را نیز به این امر مهم تشویق نماید. اگر چه غفلتی عجیب از این وظیفه‌ی مهم بر ما سایه افکن شده و سهو و نسیان در این خصوص دامن گیر ما گردیده است.

برای برخی از ما عادت شده است که هر از گاهی با کوله باری از حوایج، نیازها و گرفتاری‌های مادی و دنیوی به محضر سرور و صاحب خویش مشرف شویم و باگریه و زاری و هزار آیه و قسم و سوگند دادن آن حضرت به اجداد طاهرینش حاجت خود را بگیریم و بعد پشت سرمان را هم نگاه نکنیم و تا وقتی دیگر و حاجتی دیگر...

حاجت خواستن از امام نکوهیده نیست. درد دل نزد امام بردن ایرادی ندارد. امام، پدر مهربان و سنگ صبور شیعیان خویش است. آن چه مذموم است فقط خود را دیدن، از رنج دیگران غافل بودن، به خواست و انتظار امام علیه السلام بی توجه ماندن و درد و رنج آن حضرت را فراموش کردن است.

هیچ کس نگفته و نمی گوید مردم برای عرض حاجت به مسجد جمکران نیایند. مسجد جمکران خانه‌ی امید شیعه است و مگر شیعیان جز امام زمان علیه السلام فریادرسی دارند؟ توصیه‌ی اولیای دین این است که حتی نمک غذایتان را از ما بخواهید. امام عصر علیه السلام متکفل امور همه‌ی شیعیان است. حتی اگر تصور کنیم فقط در کارهای به ظاهر مهم باید به خدا و امام زمان علیه السلام متوسل شویم و در کارهای کوچک نیازی به یاری خواستن و توسل و توکل نیست به وادی شرک در غلطیده‌ایم.

کسی منکر آن نیست که مردم باید در هر مشکلی به آستان مقدس حضرت

مهدی علیه السلام متوسل شوند. این دستور خداوند تبارک و تعالی است و آن کس که امروزه حاجت خود را به این درگاه می آورد به این درجه از معرفت رسیده است که بداند باید به در خانه‌ی امام زمان علیه السلام بیاید. آن قدر فهمیده است که در هیچ کجای دیگر خبری نیست و هیچ کس دیگری قادر به گره‌گشایی از کار خلق نمی‌باشد. سیره‌ی بزرگواران معصوم علیهم السلام نیز آن بوده و هست که کسی را ناامید از در خانه‌ی خویش باز نگردانند. چه بسیار بیماران صعب‌العلاج که در همین مسجد مقدس جمکران شفا یافته‌اند و چه بسیار حاجت‌مندانی که حاجت روا شده‌اند و چه بسیار گرفتارانی که به برکت توسل به امام عصر علیه السلام گره از کارشان باز شده است و ما نیز با صدای بلند می‌گوییم:

هر کس هر حاجتی دارد، هر کس هر گرفتاری و درد و غمی دارد بیاید و به امام زمان علیه السلام متوسل شود. حجّت خدا، دست خدا، باب الحوائج، واسطه‌ی فیض، برآورنده‌ی حاجات خلق و همه‌کاره‌ی عالم هستی هم اینک به اذن خدا، مولا و آقای ما حضرت صاحب‌العصر و الزمان علیه السلام است و اگر قرار باشد فیضی به کسی برسد و بلایی از کسی دور شود یا بیماری شفا بگیرد یا قرضی ادا گردد و دردی دوا شود و اگر مصلحت باشد حاجتی روا شود فقط و فقط با عنایت این آقا و به دست یداللهی او صورت می‌گیرد و لا غیر.

این کلام، حق است و تردیدی در آن نیست؛ اما همه‌ی مطلب این نیست و کلام در این جا خاتمه نمی‌یابد. تنها شأن امام معصوم در این عالم این نیست که مردم در مشکلات مادی خویش به او متوسل شوند. از شئون امام معصوم، راهبری و هدایت انسان‌ها در طریق بندگی و عبودیت خداست. امام، خلیفه و جانشین خدا در زمین و حاکم بر دین و دنیای مردم است. امام، مرتبی خلق و

عاهده‌دار تربیت انسان‌هاست و حق حاکمیت بر انسان و جهان منحصرأ از آن اوست. خیلی از اوقات، این حاجت دادن‌ها خود مقدمه‌ای برای رشد و تعالی معنوی افراد است. همچو بذری است که صیّاد در دام می‌نهد تا صید خویش را گرفتار کند. حقیقت آن است که ما در امور معنوی به امام محتاج‌تریم تا در امور مادی. در قبر و برزخ و قیامت به امام عصر علیه السلام بسیار محتاج‌تریم تا در این دنیای فانی. این دنیا به هر سختی و با هر نکبتی باشد بالاخره و به زودی سپری می‌شود و به فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام در دعای کمیل «قلیل مکّنه، یسیر بقائه» مکث در این دنیا کم و بقای آن اندک است. حتی اگر کسی از شدت فقر و گرسنگی در این دنیا بمیرد؛ اما با اعتقاد صحیح راجع به امامت و ولایت از دنیا برود اهل نجات و سعادت خواهد بود. در مقابل، اگر کسی تمام دنیا را مالک شود سپس بدون ولایت و معرفت امام از دنیا برود اهل ضلالت و هلاکت و جاودان در آتش جهنم خواهد بود. دنیا گذراست؛ اما آخرت پایانی ندارد. میلیارد میلیارد میلیارد... سال به طول خواهد انجامید!!!

در دنیا و آخرت چاره‌ای جز پناه بردن به امام زمان علیه السلام و استمداد از آن بزرگوار نداریم؛ ولی این ارتباط میان امام و پیروانش یک طرفه و یک سویه نیست. بسیاری از ما فراموش کرده‌ایم که ما نیز در مقابل امام زمان خویش وظایفی بر عهده داریم و آن عزیز نیز حقوقی بر گردن شیعیان دارند. غالباً از این نکته غافلیم که آن حضرت نیز حاجتی دارند و حاجت آن بزرگوار، صدور فرمان فرج از سوی حق تعالی است و انتظار آن حضرت از شیعیان آن است که با دل‌های شکسته و چشمانی اشکبار و همان گونه که برای حاجات فردی خویش دعا می‌کنند برای تعجیل در ظهور مولای خویش نیز به درگاه

الاهی دعا نمایند. هزار و صد و هفتاد سال است که آخرین حجّت خدا و وارث همه‌ی انبیا و اولیا در پس پرده‌ی غیبت به سر می‌برند. دوران غیبت برای امام بسیار سخت و طاقت فرساست. غیبت دوران رنج و بلا و مصیبت و اضطراب امام است. آن حضرت باید در خارج از شهرها و به دور از چشم ظالمان زندگی کند. خون اجداد طاهرینش بر زمین مانده است. اخیراً نیز مرقد پدر، مادر و جدّ آن بزرگوار را ویران کرده‌اند. آن حضرت دین خدا، کتاب خدا، احکام خدا، حلال و حرام الاهی و شیعیان خویش را غریب می‌بیند و بی‌جهت نیست که مهدی آل محمد علیهم‌السلام را مضطرب لقب داده‌اند. سؤال این جاست که آیا ما آن‌گونه که باید از درد دل آقا باخبریم و اگر پاسخ مثبت است برای خاتمه یافتن غم‌های مولای خویش چه کرده‌ایم؟

خانواده‌ای را تجسم کنید که پدر آن‌ها در بستر بیماری است. فرزندان این پدر، بی‌تفاوت به رنج و محنت پدر فقط برای گرفتن پول و چک و ضمانت و حلّ مشکلات خویش به او مراجعه می‌کنند. کسی که از بیرون این منظره را می‌نگرد آیا فرزندان را شمامت نخواهد کرد؟ در این بین تنها یکی از فرزندان است که به دیگران نهیب می‌زند: چرا از پدر غافلید؟ چرا نسبت به غم و غصه‌ی پدر بی‌خیال و بی‌تفاوتید؟... چرا فقط به فکر خودتان هستید؟ من نه تنها از پدر هیچ نمی‌خواهم که حاضرم همه‌ی زندگی و دار و ندارم را برای رضایت او فدا کنم.... به وجدان خود رجوع کنیم. مگر امام زمان علیه‌السلام پدر حقیقی ما نیست و ما فرزندان او نمی‌باشیم. رفتار ما در قبال آن حضرت به کدام یک از موارد ذکر شده شباهت بیشتری دارد؟

همه می‌دانیم حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام ۱۴ سال و به نقلی ۲۱ سال از

عمر شریف خویش را در زندان و تحت شکنجه و آزار گذراندند. فرض کنید در آن دوران شیعیان گروه گروه در زندان به خدمت آن حضرت برسند و از پشت میله‌های زندان به آن حضرت بنگرند و از این که خداوند توفیق زیارت جمال دلربای موسی بن جعفر علیه السلام را به آن‌ها داده است شادمان باشند و از آن حضرت بخواهند برای شفای بیمارشان و یا حل مشکلات زندگی و دنیای آنان دعا کند و فقط همین!!! بدون این که بر احوال امام متأثر شوند و برای خلاصی آن حضرت از زندان تلاش و یا حداقل دعایی کنند. متأسفانه باید اعتراف کنیم رویه و رفتار برخی از ما در قبال ولی نعمت و صاحبمان امام عصر علیه السلام همین گونه است. در روایات، دوران غیبت را برای امام به منزله‌ی زندان برشمرده‌اند. آیا ما برای رهایی آن حضرت از زندان غیبت دعای می‌کنیم؟ برخی خوبان ما که یک گام جلوتر آمده و درخواست‌های مادی و دنیوی را به کناری نهاده‌اند مدام تقاضای رؤیت و دیدار حضرت را دارند که باید گفت اگر چه شوق زیارت امام و دعا برای رؤیت آن عزیز و اشتیاق و لحظه شماری برای ملاقات آن مه‌لقا از لوازم محبت و نشانه‌های ایمان است؛ اما باید مراقب باشیم دچار یک خودخواهی از نوع متعالی آن نشویم. فقط دنبال این نباشیم که به هر نحو که شده امام را ببینیم؛ ولی از غم‌های امام زمان علیه السلام غافل باشیم. اگر بی‌تاب دیدن آن جمال فاطمی و گشتن به گرد آن خال هاشمی هستیم بهتر است زیارت شمس جمال حضرتش را با ظهور نورانی‌اش از خداوند طلب کنیم.

تذکر این نکته نیز لازم است که توصیه‌ی امام عصر علیه السلام به شیعیان که «برای فرج دعا کنید» نه از سر نیاز آن بزرگوار به ما بلکه از جنس همان «هل من ناصر

ینصرنی «ابا عبدالله الحسین علیه السلام در روز عاشورا است. امام زمان علیه السلام هیچ نیازی به ما و دعای ما ندارد. این ما هستیم که سراپا نیاز به آن بزرگوار هستیم و باید برای فرجش دعا کنیم تا رستگار شویم. همان گونه که خدای تعالی امر به نماز و روزه و حج و... کرده، اما ابداً نیازی به بندگان و عبادت آنها ندارد. امام عصر علیه السلام هم امر به دعا برای ظهور خویش کرده اند؛ اما به آن نیاز ندارند. در حقیقت سود و منافع بی شمار دعا برای فرج در دنیا و آخرت به خود ما برمی گردد. کافی است لحظاتی کتاب مکیال المکارم را ورق بزنید. این کتاب که به امر مبارک امام عصر علیه السلام نوشته شده به ذکر فواید دعا برای فرج پرداخته و صدها فایده‌ی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی را برای این دعا ذکر می‌کند. مؤلف در بخشی از این کتاب می‌نویسد:

... اگر مؤمن برای مولای خودش با خالص‌ترین دعاها دعا کند، مولای او نیز با دعای خالص کار او را جبران خواهد کرد. بدیهی است که دعای حضرتش کلید هر خیر و وسیله‌ی نابودی هر زیان و ضرر است. گواه بر گفتار ما و تأیید آن روایتی است که مرحوم راوندی در کتاب «الخرائج» نقل می‌کند. می‌گوید: گروهی از اهل اصفهان از جمله ابو عباس احمد بن نصر و ابو جعفر محمد بن علویه نقل کرده و گفتند:

در اصفهان مردی شیعه به نام عبدالرحمان بود. از او پرسیدند: علت این که امامت حضرت امام علی علیه السلام را پذیرفتی و دنبال فرد دیگری از اهل زمان خود نرفتی چیست؟ گفت: جریانی از آن حضرت دیدم که قبول امامت او را بر من لازم کرد. من مردی فقیر بودم؛ ولی زبان‌دار و پرجرات بودم به همین جهت در سالی از سال‌ها اهل اصفهان مرا برگزیدند تا با گروهی دیگر برای

دادخواهی به دربار متوکل برویم. ما رفتیم تا به بغداد رسیدیم. هنگامی که در بیرون دربار بودیم خبر رسید که دستور داده شده امام علی بن محمد الرضا را احضار کنند. بعد حضرتش را آوردند. من به یکی از حاضرین گفتم: این شخص که او را احضار کردند کیست؟ گفت: او مردی علوی و امام رافضی هاست. سپس گفتم: به نظرم می‌رسد که متوکل می‌خواهد او را بکشد. گفتم: از جای خود تکان نمی‌خورم تا این مرد را بنگرم که چگونه شخصی است؟

او گفت: حضرت در حالی که سوار بر اسب بودند تشریف آوردند و مردم در دو طرف او صف کشیده و او را می‌نگریستند. چون چشمانم به جمالش افتاد محبت او در دلم جای گرفت. در دل شروع کردم به دعا کردن برای او که خداوند شرّ متوکل را از حضرتش دور گرداند.

حضرت در میان مردم حرکت می‌کرد و به یال اسب خود می‌نگریست. نه به راست نگاه می‌کرد و نه به چپ. من نیز دعا برای حضرتش را در دلم تکرار می‌کردم. چون در برابرم رسید رو به من کرد و فرمود:

استجاب الله دعاک و طول عمرک و کثر مالک و ولدک.

خدای، دعای تو را مستجاب کند و عمر تو را طولانی و مال و فرزند تو را زیاد گرداند.

از هیبت و وقار او بدنم لرزید و در میان دوستانم به زمین افتادم. پرسیدند: چه شد؟ گفتم: خیر است و جریان را به کسی نگفتم. پس از آن که به اصفهان برگشتیم خداوند به سبب دعای آن حضرت درهایی از مال و ثروت برای من باز کرد تا جایی که اگر همین امروز درب خانه‌ام را ببندم قیمت اموالی که در

آن دارم معادل هزاران هزار درهم است و این غیر از اموالی است که در خارج خانه دارم و خداوند به سبب دعای آن حضرت ده فرزند به من عنایت فرمود. اینک که حدود هفتاد و اندی سال از عمر من می‌گذرد من به امامت آن شخص و الامقام که از ضمیر من خبر داد و خداوند دعای او را در حق من مستجاب کرد اعتقاد دارم.

ببینید که چگونه مولای ما حضرت امام هادی علیه السلام دعای آن شخص را به خاطر نیکی او جبران و تلافی نمود؟ برای او دعا فرمود، با این که او از مؤمنان نبود. آیا گمان می‌کنید که اگر در حق مولای ما صاحب الزمان ارواحنا فداه دعا کنید شما را با دعای خیر یاد نمی‌کند با این که شما از مؤمنان هستید؟ نه، هرگز چنین نیست. سوگند به خدایی که انس و جن را آفرید حضرتش برای مؤمنینی که از این امر غافل هستند نیز دعا می‌کند زیرا که او صاحب احسان است. (۱۳)

این همه تأکید به دعا برای تعجیل فرج قطعاً حکمت‌ها و اسرار دیگری نیز دارد. یکی از این حکمت‌ها این است که مردم بدانند غیبت را آن‌ها و با دست خودشان ایجاد کرده‌اند و اگر بخواهند می‌توانند توبه کنند و با دعا به درگاه الهی، گذشته‌ها را جبران نموده ظهور حجت خداوند را رقم بزنند. خدای تبارک و تعالی که حکیم است انسان‌ها را بیهوده و عبث نیافریده است. انسان‌ها خلق نشده‌اند که در مقابل خالق خویش گردن‌کشی کنند و به آتش دوزخ گرفتار شوند. خدای تعالی بشر را مختار آفرید. لازمه‌ی این اختیار فرستادن پیامبران بود و یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر برای هدایت و ارشاد خلق مبعوث شدند و آخرین آن‌ها پیامبر گرامی ما حضرت ختمی

مرتب محمد مصطفی ﷺ بود. خاتم الانبیا ﷺ نیز در حجة الوداع و در میان جمعیت یک صد و بیست هزار نفری مسلمین تکلیف امامت بر جهانیان را تا قیام قیامت معین فرمود. اراده و قانون الاهی این است که باید تا روز قیامت حجّت و نماینده‌ی خداوند در روی زمین و میان مردم حضور داشته باشد و در غدیر خم پیامبر اکرم ﷺ چندین مرتبه خطاب به مردم فرمودند: اول ایشان علی ﷺ و آخرین آنها مهدی ﷺ است؛ اما در طول تاریخ طاغوت‌ها، شیاطین، دنیاداران و ریاست‌طلبان در مقابل حجّت‌های الاهی صف‌آرایی کردند؛ حقوق آنان را غصب و آنها را یکی پس از دیگری به شهادت رساندند و آخرین وصی پیامبر نیز هم اکنون در غیبت و غربت به سر می‌برد.

آری! سقیفه‌ی بنی‌ساعده را مردم ایجاد کردند نه خدای تبارک و تعالی.

امیر راستین مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب ﷺ را مردم خانه‌نشین کردند نه خدای تبارک و تعالی.

دختر مظلومه‌ی پیامبر، ناموس کبریا و عصمت خدا را مردم به شهادت رساندند نه خدای تبارک و تعالی.

حضرت سیدالشهداء ﷺ سرور جوانان اهل بهشت را مردم قطعه قطعه کردند نه خدای تبارک و تعالی...

و بالاخره غیبت امام زمان ﷺ را مردم و بادست خویش رقم زدند نه خدای تبارک و تعالی.

و اگر مردم از خواب غفلت بیدار شوند؛ توبه کنند و ظهور حجّت خدا را طلب کنند خدای کریم نیز حجّت خویش را ظاهر خواهد ساخت. در روایات می‌خوانیم:

وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند. خدای متعال به موسی و هارون علیهم السلام وحی فرمود که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند و این در حالی بود که از ۴۰۰ سال، ۱۷۰ سال باقی مانده بود. خداوند به دعای بنی اسرائیل، از آن ۱۷۰ سال صرف نظر کرد.

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر شما شیعیان نیز چنین تضرع و زاری کنید (و فرج ما را بخواهید)، خداوند فرج ما را می‌رساند؛ ولی اگر دست روی دست بگذارید (و بی‌اعتنا بمانید)، وقتی کار به نهایت رسید گشایش فرامی‌رسد. (۱۴)

بنی اسرائیل تنها با تکیه بر لطف و کرم خداوند بدون آن که به آنها وعده‌ی اجابت داده باشند پیر و جوان و زن و مرد و کودک به بیابان رفتند و چهل روز تمام به درگاه خداوند از صمیم دل تضرع و دعا کردند. خداوند نیز فرج موسی علیه السلام را جلو انداخت؛ ولی امام صادق علیه السلام به شیعیان وعده‌ی قطعی اجابت داده و فرموده است که اگر شما نیز همان‌گونه دعا کنید خداوند فرج ما را می‌رساند. دیگر آن که ما امت مرحومه‌ایم. فضیلت و برتری امت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بر سایر امت‌ها همانند شرافت و فضیلت آن حضرت بر سایر انبیای الهی است. وقتی قوم بنی اسرائیل و امت حضرت موسی علیه السلام توانستند ۱۷۰ سال ظهور موسای کلیم را جلو بیندازند آیا ما نمی‌توانیم با دعا، ظهور امام زمان خویش را از خداوند بگیریم؟ آیا همت ما از بنی اسرائیل کمتر است؟ مداومت بر دعا و اصرار و پافشاری بر آن نیز در این حدیث شریف مورد تأکید است. دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام باید مداوم و پیوسته باشد و نه مقطعی و گذرا و همان‌گونه که تکرار نماز در همه‌ی عمر به عنوان ادای یک

وظیفه‌ی شرعی، خستگی و ملال نمی‌آورد دعا برای فرج در همه حال نیز به عنوان یک تکلیف دینی نباید موجب یأس و خستگی و ناامیدی شود. ماهیت دعای فرج با سایر دعاها تفاوت دارد.

گاهی شما برای شفای یک بیمار دعا می‌کنید؛ ولی وقتی برای فرج دعا کردید شفای همه‌ی بیماران را از درگاه خداوند طلب کرده‌اید زیرا با ظهور آن حضرت همه‌ی بیماران شفا می‌یابند.

گاهی شما برای رفع مشکل مالی یک مؤمن دعا می‌کنید؛ ولی وقتی برای فرج دعا کردید برای همه‌ی مساکین و فقرا دعا کرده‌اید زیرا با آمدن امام زمان علیه السلام فقری یافت نخواهد شد.

گاهی شما برای آزادی یک بی‌گناه از زندان دست به دعا می‌برید؛ ولی با دعا برای ظهور، آزادی تمام زندانیان را از خداوند طلب کرده‌اید زیرا پس از ظهور امام عصر علیه السلام زندانی وجود نخواهد داشت.

گاهی شما یک گرسنه را سیر می‌کنید؛ اما هم اکنون یک میلیارد گرسنه در جهان وجود دارد. با دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام برای همه‌ی گرسنگان دعا کرده‌اید زیرا با ظهور امام عصر علیه السلام گرسنگی در عالم ریشه کن می‌شود.

استجابت و تحقق دعای شریفی که در ماه مبارک رمضان پس از نمازهای واجب خوانده می‌شود و با این جمله آغاز می‌شود: «اللهم ادخل علی اهل القبور السرور...» و در آن از خداوند می‌خواهیم: خدایا بر اهل قبور، خوشحالی و سرور داخل فرما، همه‌ی فقیران را غنی فرما، همه‌ی گرسنگان را سیر و همه‌ی برهنگان را بپوشان، قرض تمام بدهکاران را بپرداز، اندوه هر... فقط و فقط در زمان ظهور منجی عالم بشریت ممکن است و از قرار

معلوم در جریان یک تشرّف آن حضرت چنین اشارتی فرموده‌اند.
دعا برای فرج چنان گستردگی دارد که انسان و حیوان، زمین و آسمان،
زندگان و مردگان، گذشتگان و آیندگان و... را در بر می‌گیرد.

دعاهای فردی و حاجات مادی را یا خدای تعالی برآورده می‌سازد و یا آن
که استجاب آن به مصلحت نیست. اما دعای فرج دعایی است که
گویی خداوند هم به دنبال بهانه‌ای برای اجابت آن است.

دعای فرج، دعای یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر و همه‌ی انبیا و اولیا و
فرشتگان است.

دعای فرج، دعای امیر مؤمنان علیه السلام و خشنود کننده‌ی قلب نازنین حضرت
زهره علیها السلام است.

دعای فرج، دعای چهارده معصوم و همه‌ی شهدای کربلاست. آمین‌گوی
آن زینب کبری علیها السلام است. حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را خوشحال
می‌سازد. کمر شیطان را می‌شکند. ارکان ستم را می‌لرزاند. لرزه بر اندام
منافقان امت می‌اندازد.

اینک خود قضاوت کنید که تفاوت از کجا تا به کجاست و «دعا» با «دعا» چه
قدر تفاوت دارد! اگر طبّقی مملوّ از پول را در مقابل شما قرار داده و به شما
حقّ انتخاب بدهند و بگویند هر کدام را که می‌خواهید بردارید شما کدام یک
را انتخاب می‌کنید؟

اسکناس یکصد تومانی؟ هزار تومانی؟ چک پول بیست هزار تومانی؟
چک پول یکصد هزار تومانی؟ چک پول یک میلیون تومانی...؟

به همه‌ی این موارد «پول» اطلاق می‌شود؛ اما ارزش یکی ده هزار برابر

دیگری است. یک طفل غیر ممیز شاید یک اسکناس یکصد تومانی را آن هم برای خرید یک شیء کم ارزش مثل آب نبات از یک چک پول یک میلیون تومانی بهتر بداند؛ اما بزرگ ترها این گونه فکر نمی کنند. بیایید همان گونه که در مسایل مادی و زندگی دنیوی اهل محاسبه و دقت هستیم در امور معنوی نیز نکته سنج و ریزبین باشیم. بدانیم در دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام همه ی خیرات و مواهب دنیوی و اخروی نهفته است و «چون که صد آمد نود هم پیش ماست.»

و سرانجام آن که:

اوج ناسپاسی و غفلت است اگر دستمان به دعا بلند شد و حاجت خود را بر حاجت امام زمان خویش مقدم داشتیم چرا که به واسطه ی آن حضرت به دنیا آمده ایم، زنده ایم، روزی می خوریم و...

بارالها! ما را شریک غم و غصه های امام زمان علیه السلام قرار بده.

ما را از غم های امام زمان علیه السلام آگاه فرما.

ما را از خواب غفلت از امام زمان علیه السلام بیدار فرما.

لحظه ای ما را از یاد حضرتش و دعا برای ظهورش غافل مفرما.

ما را از منتظران حقیقی حضرتش قرار ده.

باقیمانده ی عمر ما را در زمان ظهور آن حضرت قرار ده.

از باقیمانده ی غیبتش به آبروی مادر پهلوشکسته و عمه ی داغ دیده اش

حضرت زینب کبری علیها السلام صرف نظر بفرما.

قلب نازنین و غصه دارش را همین لحظه و ساعت با مرده ی فرجش شاد

فرما.

موانع ظهورش را مرتفع فرما.

مقدمات ظهورش را تکمیل فرما.

با صدور فرمان فرجش دل همه‌ی آل الله را شاد فرما.

به غربت دین و قرآن و مظلومیت شیعه با ظهور آن حضرت خاتمه عنایت

فرما.

لحظه به لحظه بر محبت، ارادت و معرفت ما به آن حضرت و نیز به تسلیم

و یقین و اخلاص ما نسبت به حضرتش بیفزای.

ما را نمک خوار و نمکدان شکن امام زمان علیه السلام قرار مده...

ما را برای حضور با معرفت در پای رکاب آن حضرت آماده و تربیت فرما.

فصل سوّم: انتظار امام عصر علیه السلام از ما...

عاشقی را می شناسم که هر شب چهارشنبه به عشق مولا و ارباب عالم هستی بار سفر می بندد و عازم شهر قم و مسجد مقدّس جمکران می شود. آرام و کم حرف و به اصطلاح «کتوم» است. هفته ی گذشته که او را دیدم حال بسیار خوشی داشت. به گنبد فیروزه ای و نورانی مسجد جمکران خیره شده بود، اشک، همچون دو چشمه بر گونه هایش می دوید. بغض راه گلویش را بسته و گریه امانش را بریده بود. فقط لب هایش به آرامی تکان می خورد. گویی با خود زمزمه ای داشت. من که به حالش غبطه می خوردم در صدد برآمدن از علت این گریه و حال عجیبش سؤال کنم. قدم پیش نهادم و پرسیدم: «مشکلی پیش آمده است؟! اتفاقی برایت افتاده است؟!...» نگاه معنادارش را به من دوخت و در حالی که خود و شاید مرا هم شماتت می کرد بریده بریده این جملات را بر زبان آورد که:

«خاک بر سر من و امثال من!!»

چه قدر غافلیم!!

چه قدر خودخواهیم!!

چه قدر بی معرفتیم!!

چه قدر امام زمان علیه السلام در بین ما مظلوم و غریب است!

من رو سیاه چه لیاقت دارم که امام زمان علیه السلام به من التماس دعا بگوید! «کنجکاوی ام دو چندان شد. پرسیدم مگر چه شده است؟!... و سرانجام با اصرار فراوان من، لب به سخن گشود و گفت: چند روز است خواب‌های عجیب و غریبی می‌بینم؛ اما یکی از این خواب‌ها مرا به شدت متأثر ساخته و قرار از کفم ربوده است:

خواب دیدم مسجد مقدس جمکران مملو از جمعیت است و هر کس به کار خویش مشغول است. در این اثنا حضرت ولی عصر علیه السلام از درب مسجد وارد شدند. به هر کس که می‌رسیدند می‌فرمودند: «التماس دعا! برای فرج من دعا کنید!» ولی هیچ کس به حرف آن حضرت توجه نمی‌کرد و گویا به آن بزرگوار روی خوش نشان نمی‌داد. به سمت درب خروجی حرکت کردم دیدم از میان آن همه جمعیت فقط سی نفر برگرد آن حضرت حلقه زده‌اند.

به یک باره تکانی خوردم. این بار این من بودم که متأثر و منقلب شده بودم و متقابلاً برای او سؤال برانگیز و عجیب جلوه کرد. پرسید: «چه طور مگر؟! من تا به حال این خواب را برای هیچ کس تعریف نکرده بودم.» واقعاً برایم عجیب و شگفت‌آور بود. احساس می‌کردم مخاطب اصلی این پیام من هستم و در این راستا باید حرکتی هر چند کوچک به مقتضای فهم و توان خویشتم انجام دهم. حکایت از این قرار بود که دقیقاً دو هفته پیش از آن، در یکی از جلسات زیارت آل یاسین، یکی از عاشقان و منتظران دلسوخته‌ی امام عصر علیه السلام خواب مشابهی را برای حاضران در آن مجلس بازگو کرد و از آنان خواست که برای ظهور امام عصر علیه السلام بیش از پیش دعا و به درگاه الاهی تضرع کنند. نقاط مشترک این دو خواب نیز برای من بسیار عجیب بود:

«خواب دیدم در مسجد مقدّس جمکران جمعیت موج می‌زند. ناگهان وجود مقدّس حضرت بقیه الله تشریف فرما شدند. آن حضرت به هر یک از زائران که می‌رسیدند می‌فرمودند: «ببینید من مضطر شدم. برای فرج من دعا کنید.» مردم بآبی توجّهی و بی‌تفاوتی از کنار ایشان می‌گذشتند. انگار نه انگار که ایشان همان آقای است که به دستور وی و به خاطر ایشان این مسجد بنا شده است. دقت کردم فقط سی نفر نزد آن حضرت جمع شده بودند.» (۱۵)

این نخستین بار نیست که وجود مقدّس امام عصر علیه السلام شیعیان را به دعا برای ظهور خویش دعوت کرده‌اند. بشنوید داستان تشرّف مرحوم حاج محمدعلی فشنیدی که از عاشقان و منتظران حضرت مهدی علیه السلام بود و در همین مسجد مقدّس جمکران و در بیداری به محضر نورانی حضرتش مشرّف شده بود:

در مسجد جمکران قم، اعمال را به جا آورده بودم و با همسرم می‌آمدم. دیدم آقای نورانی داخل صحن شده‌اند و قصد دارند به طرف مسجد بروند. با خود گفتم: این سید نورانی در این هوای گرم تابستان از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست ایشان دادم. پس از آشامیدن، ظرف آب را پس دادند. گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان ارواحنا فداء را از خدا بخواهید تا امر ظهور نزدیک شود. فرمودند:

«شیعیان ما به اندازه‌ی آب خوردنی ما را نمی‌خواهند! اگر ما را بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد.» (۱۶)

حدود ۳۵ سال پیش مرحوم حاج شیخ احمد کافی رحمه الله جریانی را که برای یکی از دوستانش اتفاق افتاده بود بر فراز منبر نقل نموده است:

یک نفر از رفقا از یزد نامه‌ای به من نوشته، آدم دینی خوبی است. از عاشقان امام زمان علیه السلام است. از رفقای من است در نامه چیزی نوشته که مرا چند روز است منقلب کرده. گرچه این پیغام به خیلی از علما رسیده. به مرحوم مجلسی رحمته الله گفته. به شیخ مرتضی انصاری رحمته الله گفته. به مرحوم شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله گفته. به مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله گفته. به بعضی از اوتاد دیگر گفته. این بنده‌ی خدا نوشته من چهل شب چهارشنبه از یزد می‌آمدم مسجد جمکران. توسل و حاجتی داشتم. شب چهارشنبه چهلمی، دو هفته قبل بود. در مسجد جمکران خسته بودم. گفتم ساعتی اول شب بخوابم سحر بلند شوم برنامه‌ام را انجام بدهم. صحن حیاط هوا گرم بود. خوابیده بودم یک وقت دیدم از در مسجد جمکران تعدادی از طلبه‌ها ریختند تو. گفتم چه خبر است؟ گفتند: آقا آمده. من خوشحال دویدم... خودش فرمودند:

برو به مردم بگو دعا کنند خدا فرجم را نزدیک کند.

به خدا قسم آی مردم دعاهایتان اثر دارد. ناله‌هاتان اثر دارد.

خود آقا به مرحوم مجلسی رحمته الله فرموده:

مجلسی! به شیعه‌ها بگو برام دعا کنند.

هی پیغام می‌دهد. به خدا دلش خون است... (۱۷)

و بالاخره بشنوید داستان آموزنده‌ی آن پیرزن باصفا را که در مسجد

مقدس جمکران رخ داده است:

در قدیم ساختمان مسجد مقدس جمکران آن قدر وسعت نداشت که

جمعیت زیادی در آن جمع شود. علاوه راه ماشینی خوبی هم نداشت که مردم

به سهولت بتوانند به آنجا بروند، لذا مسجد جمکران تنها برای چند نفر عاشقان پر حرارت آن حضرت باقی می ماند که آنها به هر نحوی که ممکن بود شب های جمعه خود را به آن جا می رساندند، ولی بقیه ی شب ها مسجد خالی بود که طبعاً درش را خادم مسجد می بست و می رفت.

پیرزن باصفایی که شاید مکرر خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام در خواب و بیداری رسیده بود، پس از آن که مسجد جمکران را توسعه داده بودند شب جمعه ای به مسجد جمکران می رود و صدها و بلکه هزارها نفر را می بیند که در مسجد و اتاق ها و حتی در فضای باز اطراف مسجد برای عبادت و توسّل به آن حضرت جمع شده اند و همه نسبت به آن حضرت عرض ارادت می کنند.

خودش می گفت: من وقتی این جمعیت را دیدم و با جمعیت قبل از توسعه ی مسجد مقایسه کردم خیلی خوشحال شدم که بحمدالله مردم اطراف مولایم حضرت حجّة بن الحسن علیه السلام جمع شده اند و به آن حضرت اظهار علاقه می کنند. با این خوشحالی وارد مسجد شدم و اعمال مسجد را انجام دادم و سپس زیارت آل یاسین را خواندم و مقداری با زبان خودم با آن حضرت حرف زدم. ضمناً به آن وجود مقدّس عرض کردم آقا خیلی خوشحالم که مردم زیاد به شما علاقه پیدا کرده اند و شب ها جمعیت زیادی به دور مسجد جمع می شوند و به شما اظهار علاقه می کنند.

سپس از مسجد بیرون آمدم و غذای مختصری از همان غذاهایی که در مسجد به همه می دادند خوردم و به یکی از حجرات مسجد که قبلاً برای استراحتم آن را آماده کرده بودم رفتم و خوابیدم. در عالم خواب و یا در عالم

معنی دیدم حضرت بقیة الله به مسجد جمکران تشریف آورده‌اند و در میان مردم راه می‌روند ولی کسی به آن حضرت توجهی نمی‌کند. من از اتاقم بیرون دویدم و سلام کردم. آقا با کمال ملاحظت جواب فرمودند. کلماتم را که در بیداری خدمتشان عرض کرده بودم تکرار کردم و گفتم: آقا جان! قربان خاک پای شما گردم، خوشحالم که بحمدالله مردم به شما علاقه و محبت زیادی پیدا کرده‌اند و این همه جمعیت به خاطر شما به این جا آمده‌اند. آن حضرت آهی کشیدند و فرمودند: همه‌ی این‌ها برای من به این جا نیامده‌اند. بیا با هم برویم از آنها سؤال کنیم که چرا به این جا آمده‌اند. گفتم: قربانتان گردم در خدمتتان هستم.

در همان عالم در خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به میان جمعیت رفتیم. آن حضرت از یک یک مردم سؤال می‌فرمود شما چرا این جا آمده‌اید؟ یکی می‌گفت: آقا مریضی دارم که اطبا جوابش کرده‌اند. دیگری می‌گفت: مستأجرم خانه‌ای می‌خواهم. سومی می‌گفت: مقروضم، فشار طلبکار مرا به در خانه‌ی شما کشانده است. چهارمی از شوهرش می‌نالید و پنجمی از دست زنش شکایت داشت و بالآخره هر یک حاجتی داشتند که آن‌ها را وادار کرده بود که به آن جا بیایند.

حضرت فرمودند: فلانی! دیدی این‌ها برای من به این جا نیامده‌اند، این‌ها تازه افراد خوب این جمعیت هستند که به من اعتقاد دارند و حاجتشان را از من می‌خواهند و مرا واسطه‌ی فیض می‌دانند و اگر از اینها بگذریم جمع زیادی هستند که تنها برای تفریح به این جا آمده‌اند. حتی بعضی از این‌ها یقین به وجود من ندارند.

یک نفر بود که زانوهایش را در بغل گرفته و در گوشه‌ای نشسته بود و چشمش به اطراف می‌گردید. دنبال گمشده‌اش می‌گشت. وقتی چشمش به آقا افتاد از جا پرید و به دست و پای آقا افتاد و گفت: پدر و مادر و جانم به قربانتان کجا بودید که به انتظارتان نزدیک بود قالب تهی کنم. حضرت دست او را گرفتند و او به دست آن حضرت بوسه می‌زد و گریه می‌کرد. آقا از او سؤال کردند که: شما چرا این‌جا آمده‌اید؟ او چیزی نگفت و بر شدت گریه‌اش افزود. حضرت دوباره از او سؤال را تکرار کردند. او گفت: آقا من کی از شما غیر وصل شما را خواسته‌ام؟ من شما را می‌خواهم؛ من یک لحظه دیدار شما را به ما سوی الله نمی‌دهم.

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم

این متاعی است که هر بی‌سر و پایی دارد

آقا رو به من کرده و فرمودند: مثل این شخص که فقط برای من به این‌جا آمده باشد چند نفری بیشتر نیستند که آنها به مقصد می‌رسند. (۱۸)

پی نوشتها

۱. بحارالانوار: ج ۵۳، ح ۱۷۶.
۲. تفصیل جریان فوق و دستور حضرت به حسن بن مثله‌ی جمکرانی را علامه مجلسی رحمته الله در بحارالانوار و علامه محدث نوری رحمته الله استاد محدث قمی رحمته الله در «نجم الثاقب» و «جنة المأوی» و «الكلمة الطيبة» و نیز میرزا محمدتقی ارباب قمی در کتاب «تاریخ دار الایمان» و دیگران از کتاب «تاریخ قم» تألیف حسن بن محمدبن حسن قمی به نقل از کتاب «مونس الحزین» محمدبن بابویه معروف به شیخ صدوق رحمته الله نقل فرموده‌اند.
۳. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۳، ص ۲۹.
۴. انوار المشعشعین ۴۵۴: ۱. (صاحب کتاب انوار المشعشعین این روایت را از کتاب «خلاصه البلدان» و او نیز حدیث را «مونس الحزین» شیخ صدوق؛ نقل نموده است).
۵. مقدمه صحیفه مهدیه؛ ۷۵-۷۶.
۶. جریان معروف شفای کودک ۱۳ ساله زاهدانی که شرح آن در کتاب‌ها آمده و در دفتر ثبت کرامات مسجد جمکران نیز به ثبت رسیده است.
۷. جامع احادیث الشیعه: ج ۱، ص ۲۰۹ به نقل از بصائرالدرجات.
۸. اصول کافی، ج ۱؛ کتاب الحججه؛ باب فرض طاعة الاثمه، ح ۳.
۹. در این خصوص مراجعه کنید به کتاب شریف اصول کافی «کتاب الحججه» و نیز کتاب شریف غیبت نعمانی.
۱۰. همان.
۱۱. غیبت نعمانی، باب هفتم، ح ۲.
۱۲. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ج ۴، ص ۴۴۸.
۱۳. مکیال المکارم: ج ۱، ص ۳۳۳.
۱۴. تفسیر العیاشی: ج ۲، ص ۱۵۵.
۱۵. در روایات آمده است: و ما بثلاثین من وحشه (در زمان غیبت) با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی برای آن حضرت نیست. بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۵۳.
۱۶. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۷. پیاده شده از نوار سخنرانی مرحوم کافی.
۱۸. تجلیگاه امام زمان: ۱۱۹.